از: دکتر سید محمد باقر حجتی
دانشیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی دانشگاه تهران

حکمت حج

(۲)

حج، یکی از ارکان مهم اسلامی

سرعت پیشرفت اسلام

دین مقدس اسلام آکنده از اسرار و شگفتیهائی است که روزبروز عظمت و شکوه آنرا جلوه‌گر میسازد و خورشید تابناک آن بردلهای مردمی پرتو می‌افکند که بهمهٔ بشریت میفهماند که انسان ناگزیر باید روزگاری برای تأمین سعادت و رفاه خود ، از تعالیم مقدس اسلام سرمشق گیرد .

همین قدر کافی است بدانیم این دین در مدت بیست واندی سال ، از گروهی مردم که در نادانی و عقب‌افتادگی ضرب‌المثل بود : مردمی که از هرجهت چه از نظر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و مدنیت ملتی منزوی بشمار میرفت ، اسلام از چنین مردمی ملتی را در چنان مدت کم پدیدآورد که عظیم‌ترین وشکوهمندترین رویدادهای اجتماعی و انقلابهای سازنده‌ای را در گیتی پدید آورند ، واعجوبه‌هائی علمی و دینی و دنیوی و انسانی را پرورد که‌توانستند در کمترین مدتی پرچم آزادی وآزادگی وبرادری و دانش وتقوی را در عالیترین سطح انسانی برافرازند .

آری همینقدر ما را بسنده است که به دقت و عمق تعالیم و دستورات دین اسلام واقف گردیم ، و این نکتهٔ تاریخی برای مسلمین نویدی است که نمایشگر دورنمائی امیدبخش است و این همان لابدیت و

ناگزیری بشر در التجاء و پناه بردن به این دین است .

اسرار حج

ما میدانیم برای بشر امکان پذیر نیست که به مصالح و علل واقعی احکام فرعی یافروع احکام واقف‌گردد، چون جزقانون‌گزار وشارع اسلام ما کسی به این مصالح نمیتواند آگاهی یابد و اگر مزایائی برای اینگونه احکام بیان میشود میتوان صرفاً به عنوان حکمت احکام تلقی نمود .

مسأله حج چنانکه دیدیم با سوابق ممتد وطولانی که در ادیان دیگر آسمانی دارد ، در اسلام نیز باکیفیتی عالی امضاء گردید . هیچکس حتی دشمنان اسلام نمیتوانستند و نمیتوانند فوائد ثمربخش مادی ومعنوی حج را نادیده گرفته و یا انکار کنند. مخالفان اسلام و یا بیگانه از اسلام نیز نوشته‌اند : عمل حج انگیزه‌ای مؤثر برای ایجاد عامل وحدت اسلامی و انسانی است . وسیله‌ای است که در پیروان اسلام وحدت وهمبستگی بوجود میآورد .

حج ، اجتماع هزاران مسلمان وپیروان قرآن است که از نواحی مختلف گیتی بدانجا روی آوردند که دارای نژادهای متنوع و گونه‌گونی هستند : همه در یک کانون و یک سرزمین درکنار خانهٔ خدا با جسم و روح خود ندای پروردگار خود را با «لبیک» پاسخ میگویند ، درحالیکه تمام مردمی که در آنجا گرد آمدند ، با پوشاکی ساده و یکنواخت وبالاخره با نوعی تساوی وبرابری دقیق مادی ومعنوی باهم همبستگی دارند که نمیتوان نظیر آنرا در هیچ یک ازقوانین و تمدن وهیچ سرزمینی یافت ، مساواتی که میان آسر و مأمور و فرمانروا و فرمانبر و میلیونر و مردم متوسط‌الحال و عربی و ترکی، افغانی وایرانی ، هندی وسودانی ، حبشی و چینی ، اروپائی وآفریقائی دیده میشود ومیان سفید وسیاه و زرد وسرخ کمترین تفاوتی در اعمال آنها دیده نمیشود . همهٔ مردم با چنین اختلافات منطقه‌ای و چهره ، چشم و دل را بیک نقطه دوختند . آنان خانواده و میهن خویش را پشت سر نهادند ، دریاها را در نور دیدند و بیابانها را پیمودند و یا سینهٔ فضا را شکافتند و خود را به سرزمین مقدسی رساندند ، دست از عادات و رسوم و تشریفات محلی و منطقه‌ای برداشتند و از لباس و احیاناً خوراک خود کاستند و با شرائطی خاص روابط خود را از دنیای مادیت‌گسستند و همچون روز محشر با پوششی چون کفن‌گرد هم آمدند .

بی‌تردید با چنان کیفیتی شعاع نورانیتی که از باطن آنها برمی‌خیزد و آنرا متوجه نقطهٔ مشترکی‌می‌نمایند درحالیکه با فرمی هماهنگ و ساده و مساوات و برابری چشمگیری مسلماً میتواندملت‌وامتی‌رابوجودآورد که بنیان‌گذاران

مجد و عظمت برای بشریت باشند : اجتماع جالبی ازگروهی مردم که زیر پرچم رهبری پیامبر اسلام قرار دارند .

دراین نقطه است که بشر معنـــــی «الله اکبر» را درک می کند و میفهمد خدا از هر قدرتی قوی‌تر و نیرومندتر و از هر چیزی بزرگتر است .

حج‌گزاره در این نقطه و در میان چنان جمعیت‌انبوه و عظیمی‌میفهمد که حج بزرگترین شعار توحید و انسانیت و آزادی از هرگونه قید و بند مـادی است و مهمترین عـامل ارتباط و پیوستگی و در نتیجه،ایجاد همبستگی میان مسلمین شرق و غرب عالم و جهـــان است .

هر مسلمان دوستدار پیامبر اســـلام و پیشوایان دینی ، مشتاق و آرزومند دیدار سرزمینی است که پیامبرگرامی اسلام در آنجا زاده شد ودرهمان سرزمین نخستین مبارزهٔ خود را با شرک وبت‌پرستی وجهل واستبداد آغازکرد . هروجبی از این سرزمین یادآور رویدادهای مهم ودرخشان اسلامی است که هرکدام میتوانـد عبرتی و پندی برای دیدارکنندگان آن باشد : سرزمینی که درنظر حج‌گزار دورنمای قربانیهای راه توحیدوسعادت را مجسم می‌سازد .

وبالاخره توحیدی که همراه با وحدت در زمان ومکان واعمال‌ونیات وعقیده وپوشش ومسکن وخوراك وهمهٔ مظاهر جلب نظر می کند .

احرام ـ حکمت‌و مزایای آن

نخستین امری که برحج‌گزار لازم است موضوع نیت وتعیین هدف انجام این مراسم الهی‌است : حج‌گزار باید با نیتی خالص و پاکیزه وعاری از هرگونه شوائب دنیاوی حج خود را آغاز نماید . او نبایدکمترین قصد ریاء وتظاهر آنی وآتی را درقلب خود راه دهد ، او باید بداند برای این جهت حج نمیگزارد که پس از بازگشت ازکعبه وی را حاجی خطاب کنند ، که اگر احیاناً نام وی را بدون ذکرکلمه و واژهٔ حاجی برزبان جاری کنند متأثرگردد .

اگر چنین خاطره‌ای در دل خود راه دهد از توحید درعبادت دورگشته وحج‌وی تباه است .

او باید نیت احرام نماید . در حوزهٔ احساس ، موضوع احرام‌دارای دو نوع مظهر وشعار است ، مظهری که‌مشاهده میگردد و احساس بینائی برمی‌انگیزد ، وآن عبارت از پوشش وبکار بردن لباسی نادوخته وبرش نایافته است : لباسی بس ساده باید بپوشد واز بکاربردن هرگونه زینت وآرایش خودداری نماید و از هرگونه لذت جنسی چشم بپوشد وبالاخره درچنین حالی باید ازهرگونه تمایلات مادی و خـواهشهای نفسانی دست بردارد واز دنیای مادیت بگسلد وبه خدای خود بپیوندد .

حکمت امتناع وخودداری از اینگونه اعمال‌آنست که عمل حج‌باید صرفاً برای خدا

وبمنظور تقرب به او انجام گیرد . وصول به چنین هدف ومنظور جز از راه دورکردن خواهشهای نفسانی و خودداری از تمایلات حیوانی ناممکن است .

حج‌گزار باید حس خویشتن‌داری از اعمال هوسها را درخود زنده سازد تا احساس نماید که او انسان برتر از آن خلق شده است که در برابر شهوات وتمایلات فرومایه تسلیم وخاضع گردد .

ما میدانیم چنین تمرینهای نفسانی و روانی یکی از عوامل مهم تربیتی است و چنین کف نفس وخویشتن‌داری درمحیط و فضای دینی ومذهبی چه اثر سازنده‌ای در نفوس بجای میگذارد .

مظهر ونمود وشعار دیگر احرام، شعاری است که از دل برمیخزد وزبان رابکارمیاندازد وسامعه وحس شنوائی حج‌گزاران را نوازش میدهد، حاجیان از دل‌وجان با زبان میگویند : آری نخستین جمله‌ای که در حال احرام میگویند : «لبیک‌اللهم‌لبیک‌لاشریک‌لک‌لبیک ان‌الحمدوالنعمه‌لک‌والملک‌لاشریک‌لک »

همهٔ وجود انسان به استقبال خدا میرود: بدن دربرابر کعبه و رویاروی آن زبان بیاد او چشم ودل متوجه او ، همهٔ احساس و پدیده‌های وجودی وقوای ظاهری وباطنی حج‌گزارمتمرکز دریک هدف است وآن خدای یکتا وپروردگار جهان است : «قل‌ان‌صلوتی و نسکی ومحیای ومماتی بعد رب‌العالمین ، لاشریک‌له‌وبذلک امرت‌وانا‌اول‌المسلمین»(۱)

بگو نماز وپرستش وزندگی ومرگ من از آن خدائی است که پروردگار جهانیان است و انبازی برای او نیست وبدان مأموریت یافتم ومن نخستین مسلمانم .

احرام وروح همزیستی مسالمت‌آمیز

خداوند درقرآن مجیدگوید : «الحج‌اشهر معلومات‌فمن‌فرض‌فیهن‌الحج فلارفث‌ولافسوق‌و لاجدال‌فی‌الحج‌وماتعفلوامن‌خیریعلمه‌الله...»[۲] حج درماههائی است معین. آنکه درآن ماهها حج کند نباید آمیزش جنسی‌ونافرمانی وستیز کند وآنچه خوبی انجام دهد خدای آنرا می‌داند، این آیه وسایر آیات دیگر قرآن که بیان وظایف حج‌گزارومحرم را می‌نماید حاکی ازآنست که باید روح سازش وصلح وباصطلاح روح همزیستی مسالمت‌آمیز را حج‌گزار درخود ایجاد نماید و با احدی بستیز و خصومت برنخیزد، فریادنکند، سخن بیهوده برزبان جاری نسازد ، بغض وکینه وحسد وسایر رذائل را از دل بزداید .

محرم باید - حتی - این روح مسالمت را علاوه برهمنوعان خود نسبت به حیوانات وگیاهان وغیره نشان دهد وبالاخره به حیوان وگیاه آزار نرساند و در وجود خویشتن جهانی از سلم وصفا ومحبت نسبت به تمام پدیده‌های

۱ ـ سوره انعام آیه ۱۶۲
۲ ـ سوره بقره آیه ۱۹۷

هستی بوجود آورد .

قرآن میگوید : « یاایهاالذین آمنو - الاتقتلوا الصیدوانتم‌حرم...»(۱) مؤمنان‌شکار را مکشید درحالیکه محرم هستید ... »یا میگوید : « احل لکم صیدالبحرو طعام متاعاً لکم‌وللسیاره‌وحرم علیکم‌صیدالبرمادمتم حرما واتقواالله‌الذی‌الیه‌محشرون»(۲) «شکار دریا وخوراك آن بعنوان آنکه بهره وتمتع شما و کاروان باشد حلال است و شکار دشت برشما مادامیکه محرم هستید حرام می‌باشد واز خدائی که بسوی او محشور می‌گردید بپرهیزید »

محرم احساس میکند که فرصتی از زمان وقطعه‌ای ازمکان دارای نوعی‌حرمت واحترام است که باید آنرا درتمام‌فرصتهای زمانی وهر جا ومکان تعمیم دهد وباید همهٔ مردم درهمه جا عواطف انسانی ومحبت را همه وقت بکار دارند تا جهانی آکنده از صلح ومسالمت بوجود آید .

چند ماه در اسلام دارای حرمت واحترام خاصی است ، جنگ وستیز در این ماهها حرام‌وممنوع شد: «یسئلونک‌عن‌الشهرالحرام- قتال‌فیه‌قل‌قتال‌فیه کبیروصدعن‌سبیل‌الله(۳)..» «ای پیغمبر از تو راجع به ماه حرام می‌پرسند ماهی که جنگ کردن در آن حرام است بگو جنگ کردن در آن‌گرام وبزرگ وجلوگیری از راه خداست ...»

این فرصتهای حرام یا محترم (چون ریشهٔ حرمت واحترام وحرام یکی است) در ماههائی قرار دارد که قرآن بدانها اشاره کرده است: «ان‌عده‌الشهورعندالله‌اثنی‌عشر - شهرا فی کتاب‌الله یوم‌خلق‌السموات‌والارض- منهااربعه حرم‌ذلک‌الدین‌القیم‌فلاتظلموافیهن- انفسکم ... (٤)»

«شمار ماهها درکتاب‌خدا از روزی که آسمانها وزمین را آفرید ، دوازده ماه است ، چهارماه از آن (ماههای) حرام است ودر آن ماهها به خویشتن ستم نکنید ... »

این چهارماه عبارتند ازماههای رجب ، شوال، ذوالقعده وذوالحجه که‌ماههای مقدسی هستند وعربها بخصوص در این ماهها باید از جنگ وخونریزی وسایر ستمها وخیانتها دست برمیداشتند ، تا خود را برای ماههای دیگر برای ایجاد روح صلح وسازش با همهٔ افراد تمرین دهند.

حج‌گزار درچنین حرمت زمانی مواجه با حرمت مکانی است. درچنان مکان مقدس و چنین زمانی انسان مجال و فرصتی می‌یابد که میتواند براساس تفاهم وقطع هرگونه خصومت وستیز و بالاخره با روحی‌مسالمت‌آمیز با برادران خود زندگانی خود را ازسرگیرد .

---

۱ ــ سوره بقره ۹۵
۲ ــ سوره بقره آیه ۹۶
۳ ــ سوره بقره آیه ۲۱۷
۴ ــ سوره توبه آیه ۳۶

طواف

حج‌گزار باید هفت‌بارگرد کعبه طواف وگردش کند . نقطهٔ آغاز این طواف ، حجرالاسود ویا سنگ سیاهی است که بردیوار کعبه نصب شده است. این طواف بمنزلهٔ تحیت وتهنیت به نخستین بنائی است که بمنظور عبادت خدای یکتا بنا شد وبالاخره تکریمی است نسبت به یکی از مظاهر توحید ویگانه‌پرستی، چون حج‌گزار، کعبه وجلوه‌گاه (معشوق ومعبود خود را می‌بیند) عاشقانه همچو پروانه‌گرد شمع مظهر حقیقی پاك که خدا است به طواف وگردش درمیآید وچون حجرالاسود نقطهٔ آغاز ومبداء این طواف است بهمین جهت تقبیل واستلام آن عملی است که حاکی از علاقه وعشق به مبداء حقیقی عالم وآفریدگار جهان است . استی که شبانه‌روز پنج مرتبه بسوی این خانه که عالیترین مظهر ونمونهٔ توحید است نماز میگزارد، شایسته است با طواف درپیرامون بنیانی که«ابراهیم» برای توحید پی‌ریزی کرد ابراز ادب کند .

ذکر این نکته لازم است که مخالفان اسلام موضوع کعبه وحجرالاسود را بهانه‌ای برای حمله وانتقاد قرار دادند ومیگویند که احترام به‌کعبه وحجرالاسود بازماندهٔ افکار واندیشه بت‌پرستی است. درحالیکه آنان از حقایق مسلم تاریخی بی‌خبرند ویا تعمداً این حقایق را نادیده می‌گیرند ، با اینکه همانها دربارهٔ‌گوریك سربازگمنام که‌مظهروظیفه‌شناسی وفداکاری است انواع واقسام تشریفات و مراسم را بکار میگیرند وعلاوه برآن در اکثر شئون زندگانی بسیاری ازموهومات راپذیرفتند. ما میدانیم که‌کعبه وحجرالاسود مظهرمبارزه با شرك وبازماندهٔ آثار توحید است که از زمان ابراهیم بت‌شکن تاکنون بعنوان نمودارتوحید مورد احترام خداپرستان است .

بتاریخ نیز باید مراجعه نمود که عرب قبل از اسلام از مواد واشیاءگوناگون، بت ساخت ومعبودی پرداخت، درحالیکه کعبه و حجرالاسود تنها چیزهائی بودند که دور از جنبهٔ‌الوهیت قرار داشتند وهیچ عربی پیش از اسلام آندو را بهیچوجه بعنوان معبود وبت مورد پرستش انتخاب نکرده بود چگونه اسلام مبارزه ومخالفت با بت ، بت‌پرستی جاهلی را که اساساً سابقهٔ تاریخی نداشت تأیید ویا امضاء می‌کند .

سعی میان صفا ومروه

حاجی باید هفت‌بار میان صفا ومروه به رفت‌وآمد بپردازد واین سعی وآمد ورفت را ازصفا شروع نماید ، این‌عمل بمنزلهٔ التجاء و پناهندگی به خدا درکنار خانهٔ اوست تا بدینوسیله طلب مغفرت کند واز خداوند درخواست عفو نماید . علاوه براین سعی میان صفا ومروه یادآور یکی از رویدادهای تاریخی عبرت‌انگیز است: چون«هاجر» همسر«ابراهیم» برای جستجوی‌آب برای فرزندش «اسماعیل»

ازصفا به مروه واز مروه به صفارفت‌وآمد میکرد تا بالاخره منبع آبرا یافت ونیاز خود وفرزند خویش را فراهم دید ، وهمین آب منشاء آبادانی این سرزمین وعامل خیر وبرکت آن گشت .

این عمل و رویداد تاریخی مذکور بهر ناظری می‌فهماند که انسان اگر برای وصول به هدف خود خویشتن را به سعی وادارد ودنبال مطلوب خودگام بردارد مسلماً پیروز و کامیاب خواهد شد .

نکتهٔ قابل ذکر درمورد صفا ومروه این است که مشرکین پیش‌از اسلام برفراز صفاو مروه دو بت بنام «اساف» و «نائله» نصب کرده بودند واسلام آندو را واژگون ونابود ساخت وسعی میان صفا ومروه را از شوائب شرك وبت‌پرستی پاکیزه‌گردانید .

وقوف درعرفات

وقوف درعرفات یکی از اهم مناسك حج بشمار می‌آید ، پیدا است که توقف در این بیابان ، ازنیمروز تا شامگاه بچه منظور وهدفی سنت شده است : مزایای انسانی چنین عملی را نمیتوان برشمرد، دربیابانی که فاقد وسائل کافی برای آسایش است ، مردم از ملیتها وطبقات‌گوناگون باید درنگ نمایند و با خدای خویش به راز ونیاز بپردازند ، و همگان دریک سطح ظاهری وباطنی نیاز و احتیاج خود را به خدای عالم ابرازکنند ، آیا این عمل نمی‌تواند عالیترین نمونهٔ همبستگی وتجمع وبخصوص مساوات وبرابری باشد؟. آیا این سنت‌بزرگ‌اسلامی‌برجسته‌ترین شعار مبارزه با اختلاف طبقاتی نیست؟.

درچنین توقف ودرنگ حاجیان در این بیابان گذشته‌های دور ، اشعه‌ای در قلوب ایجاد می کند وبمردم نوید میدهد که روزی و روزگاری به منظور نهائی‌خود در زندگانی مادی ومعنوی نائل‌خواهد شد ، زیرا روزگاری پیغمبر اسلام مردم را به معرفت حق وحقوق یکدیگر و وظائف الهی وانسانی دعوت کرده بود ودرهمین جا بود که رسالت ومسئولیت الهی وانسانی خود را به کمال نزدیك یافت وآیه‌ای بر او نازل‌گشت که قلب پیغمبر و دل‌وجانش آکنده از رضا وخوشنودی‌گشت : «الیوم اکملت‌لکم دینکم واتممت‌علیکم نعمتی‌ورضیت‌لکم‌الاسلام دنیا»(۱) «هم‌اکنون دین شما راکامل کردم ونعمت خود را برشما تمام نمودم ، واسلام را بعنوان دین ، برای شما پذیرفتم . »

رمی جمر

این عمل واجب که استحباباً بادعا : « الله‌اکبراللهم‌ادخرعنی‌الشیطان...» ، «خدا بزرگتر است ، خدایا شیطان را ازمن بران ...»

۱ ــ سوره مائده آیه ۳

آغازمیگردد، به‌نشانهٔ تنفر از عوامل معصیت وبدبختی است ، وحاجی با این عمل عزم راسخ خود رابرای‌مبارزه‌بانیرنگهای‌گمراه کنندهٔ شیطان واعمال زیان‌آور او ابراز میدارد .

حاجی درچنین موقعیتی مراتب انزجار خود را از هرگونه فساد و فسادانگیزی ، وانگیزه‌های فساد، نشان میدهد واز فرصت اجتماع با برادران دینی‌خوداستفادهمی کند که چگونه میتوان درمعیت هم‌مسلکان خود و هماهنگی با آنها همهٔ مظاهر فساد را درهم کوبد .

آری فوائد وآثار سازندهٔ حج ازنظر فردی واجتماعی برهیچکسی پوشیده نیست .

حج‌گزار که اعمال حج را با توجه به حقایق روحی آن سرانجام میدهد ، درحقیقت به تجدید شخصیت خود پرداخته وازگذشتهٔ آمیخته به‌گناه وفساد خود ، جداگشته واز نو با خدای خویش تجدید عهد نموده است که همواره جبههٔ خود را درمبارزهٔ با شیطان و سورت تمایلات نفسانی نیرومند سازد و آنچنان خویشتن را پرداخته سازد که مصداق گفتار پیغمبر اسلام قرارگیرد که فرمود : «من حج ولم یفیق خرج کیوم ولدته امه» ، «کسی حج‌گزارد ودچار انحراف وگناه نگردد از مکه بیرون آید مانند وقتی که از مادر زاده شده و پاك وپاکیزه وآمادهٔ دریافت رحمت‌الهی و مشمول مراحم پروردگار باشد . »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی